



## استاد عبدالمجید نجفی / واژه‌هایی به رنگ زندگی

آسمان هنر شهر اولینهای ایران زمین، از دیرباز تا کنون مفتخر به حضور ستارگان پرفروغی بوده که هر یک، روشنای پهنه ای هستند و تلاش ارزشمندشان، مایه مباهات است.

آسمان هنر شهر اولینهای ایران زمین، از دیرباز تا کنون مفتخر به حضور ستارگان پرفروغی بوده که هر یک، روشنای پهنه ای هستند و تلاش ارزشمندشان، مایه مباهات است. ستارگانی که شاید در تبریز متولد نشده باشند، اما پایه های دانش و ریشه های خردمندی شان در این دیار شکل گرفته و عمری را به خدمت علم و دانایی گذرانده اند. استاد عبدالمجید نجفی، نویسنده نام آشنای کشور، چهار فروردین ماه سال 1338 در تبریز متولد شد.

سالهای کودکی اش در دبستان حکمت و پس از آن در دبیرستان دهخدا گذشت تا سال ۱۳۵۶ که وارد دانشگاه تبریز شد. خودش در رابطه با نوشتن می گوید: «دوره کودکی یعنی دهه چهل. یعنی زمستان های سرد و برفی تبریز. و خانه مادربزرگ. با باغچه ها و سردابه و مطبخ و درخت عظیم توت. برخی شب های زمستان دور کرسی تنوره می نشستیم. تخمه بوداده و سنجد لبو هم هزارگانه. پدربزرگ عینک را می گذاشت بالای نوک دماغش و امیر ارسلان نامدار می خواند یا حسین کردشبیستری. معجز هم می خواند و تولکی نین ناگیلری (قصه های روباه). و مادربزرگ قصه گوی ماهری بود. ملک محمد و ماه پیشانی و حسن کچل. بیرون باد بود و برف و صدایی که لای شاخه های درخت توت می پیچید...»

علاقه به مجله و کتاب و داستان، موجب شد از مهرماه سال ۱۳۶۳ وارد کانون پرورش فکری شود و نزدیک به دو دهه در این مجموعه در کنار کودکان و نوجوانان باشد. رمان برف آباد و مجموعه داستان کت پشیمی همزمان سال ۶۸ از او منتشر شد. از ایشان تاکنون بیش از 60 مجموعه مختلف رمان، مجموعه داستان، بازآفرینی از متون کهن فارسی منتشر شده، برخی آثار او جوایزی را به خود اختصاص داده است.

عبدالمجید نجفی هزاران خاطره از کلمات دارد: «اوایل دهه پنجاه نوجوان بودیم. کچل کفتر باز و تلخون و اولدوز و کلاغ های عموصمد. هرکدام یکی دوتومان و چه با ولع می خواندم. بعدش آل احمد بود و مدیر مدرسه و زن زیادی و اورازان و تک نگاری ها. و البته کرایه کتاب هم بود هر بیست و چهار ساعت دو ریال. کیهان بچه های آن روز گارهم بود. بعدش مجله دختران و پسران... یادش بخیر! چه روزگاری داشتیم. باهمین مجله ها تابستان ها ته بنیست شفائیه کتابفروشی باز می کردم و یکی دو ریال می فروختم به بچه های محل. این جور کتاب و قصه و نوشتن شد سرنوشت من تا امروز.»

از میان آثار پرشمار این نویسنده تلاشگر می توان به برف آباد، کت پشیمی، حکایات عطار، پرند های سحر آمیز، کارت ارغوانی، صدای بال فرشته، موج ها، از ایستگاه چهارم تا فصل گندم، فرمانروای کوچک و داستان های دیگر، من و سارا و سوری، ستارخان، من و سنگ و لیلای مجنون، مسافرسیاره اوراپوس، گمشدگان جنگل آی سولان، روزگار آفتابی، دختری به نام پریا، راز گمشده خاور، راز دره فانوس ها، راز خانه سه خواهرون، آوازه های نارنجی، پسر کوهستان، قصه های شیرین مرزبان نامه، باجم های شوکران، چشم های مادرم، بالاتر از خانه عقاب، ۳۵ داستان برای نوجوانان، خورشید سیاه، سمفونی سیب زمینی ها، سربداری دیگر زندگینامه داستانی شهید نیکنام ثقه الاسلام تبریزی، قایق های کاغذی، زیر گنبد کیود، صور خیال در شعر کودک و نوجوان، آذربایجان شرقی مجموعه دوست دارم ایران، کندوان مجموعه سرای من ایران، مهتاج، مامان بیتای ناتمام، مترسک ها ایستاده می خوابند، قصه های شیرین منطق الطیر، بازآفرینی، هدف، بامداد مقابل و همچنین روزگار مه آلود جابر اشاره کرد.

وی تا کنون جوایز و افتخارات بی شماری نیز در حوزه ادبیات داشته است. لوح زرین و دیپلم افتخاربرای رمان برف آباد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ لوح برگزیده شورای کتاب کودک برای رمان دختری به نام پریا؛ جایزه کتاب سال برای رمان راز گمشده خاور؛ جایزه کتاب سال ادبیات پایداری برای رمان باجم های شوکران؛ برگزیده جشنواره کتاب سال شهید غنی پور برای رمان باجم های شوکران؛ لوح افتخار و تندیس جایزه کتاب سال تبریز برای رمان سمفونی سیب زمینی ها؛ لوح تقدیر از دفتر انتشارات کمک آموزشی رشد برای تألیف کتاب ستارخان درحوزه تاریخ؛ لوح یادبود مراسم نکو داشت ازسوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان؛ لوح یادبود هفته فرهنگی تبریز درتاجیکستان بعنوان مشاور فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری بهخشی از این افتخارات محسوب می شود.

عمر با برکت استاد عبدالمجید نجفی، همواره با هنرمندی و تلاش بر خلق داستانهایی بدیع برای کودکان این مرز و بوم و همچنین توجه به انتقال دانسته های خود به نسلهای جوان همراه بوده است.

سایه شان بر سر فرهنگ و اندیشه کشورمان، مستدام...